

تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه ایلام در فعالیتهای فوق برنامه

دکتر لطف‌الله فروزنده *

محمد ولی درینی **

محمد تاب ***

فریده صیدی ****

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه ایلام در فعالیتهای فوق برنامه به اجرا درآمده است. حجم نمونه پژوهش ۱۵۰ نفر بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب تعیین شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌ای بود که روایی آن بر اساس نظر جمعی از صاحب‌نظران و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای گویه‌ها ۷۸ درصد به دست آمد که نشان‌دهنده قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه‌ها برای انجام پژوهش بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد و از معیارهایی مانند میانگین و تحلیل عاملی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد با میزان مشارکت دانشجویان در فعالیتهای فوق برنامه هیچ گونه رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما بین میزان درآمد ماهانه دانشجویان و میزان مشارکت آنان در فعالیتهای فوق برنامه رابطه‌ای منفی (معکوس) و معنی‌دار وجود دارد همچنین چهار عامل شخصیتی - روانی، ماهیتی، ارتباطی- زمانی و عامل مدیریتی به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه ایلام در برنامه‌های فوق برنامه استخراج شدند.

واژگان کلیدی: اوقات فراغت، مشارکت، فعالیتهای فوق برنامه، دانشجویان، دانشگاه ایلام.

* استادیار دانشگاه پیام نور

** دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه پیام نور

*** دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران

**** دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی

مقدمه

یکی از ویژگی‌های مشخص نظام آموزش و پرورش در هر کشوری تلاش برای حفظ ارزش‌های فرهنگی جامعه در میان نسل جوان و به ویژه دانشجویان است (دایرف^۱، ۲۰۰۵). در این راستا، نظام آموزش عالی ما به منظور فراهم آوردن زمینه رشد همه‌جانبه شخصیت دانشجویان دانشگاه، برنامه‌هایی را به عنوان فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه تدارک می‌بیند. نظر به اهمیت نقش‌آفرینی مؤثر دانشجویان در غنا بخشیدن به فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه، شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت این دانشجویان در برنامه‌های یادشده، می‌تواند به طراحی الگویی سیستمی برای افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی دانشگاه منجر شود. بدون تردید، یکی از مهم‌ترین هدف‌های مترتب بر طرح نیازسنجی در آموزش عالی کشور، به خصوص از بعد تربیت و توسعه نیروی انسانی متخصص، شناخت دانشجویان به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد و اجزای نظام آموزش عالی از وجوه و ابعاد مختلف است. دستیابی به اطلاعاتی تجربی در باب انگیزش‌ها، رفتارها، باورها، نگرش‌ها، انتظارات و نیازهای جامعه دانشجویی نه تنها برنامه‌ریزان را در طراحی برنامه‌های معطوف به توسعه آموزش عالی یاری می‌دهد، بلکه کاستی‌ها، مشکلات، نارسایی‌ها و برخی جنبه‌ها، ابعاد و وجوه و موارد (Eyler, ۲۰۰۵) و آثار آسیب‌شناختی (پاتولوژیکال) محیط‌های آموزشی را در سطح دانشجویان تعریف و تعیین می‌کند و به برنامه‌ریزی‌هایی برای رفع مشکلات و کاستن از مسائل و تنگناها و از میان برداشتن موانع توسعه به منظور قرین موفقیت گردانیدن برنامه‌های توسعه پایدار آموزش عالی منجر می‌شود. موفقیت کشورهای در حال توسعه در اجرای برنامه‌های نوسازی تا حدود زیادی بستگی به نحوه پیشرفت دانشگاه‌ها در آن کشورها دارد (Kenyon, ۲۰۰۴). محیط اجتماعی دانشگاه، چون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی و آژانسی اجتماعی‌کننده^۲ نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ درونی کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تکوین شخصیت توسعه مفهوم «من اجتماعی»^۳، انتقال

-
1. Dobrev
 2. Agent of Socialization
 3. Social Self

ارزش‌ها و مهارت‌ها و آموزش فنون و علوم ایفا می‌کند. به همین دلیل، امروزه نظام‌های پویای آموزش عالی، با انجام پژوهش و شناخت نیازهای فرهنگی جوامع، در راستای حفظ ارزش‌های جامعه تلاش می‌کنند. اهمیت این تلاش‌ها زمانی آشکار می‌شود که تأثیرات منفی جهانی شدن بر فرهنگ‌ها و جوامع مختلف را در نظر بگیریم. بسیاری از کشورها با تحلیل وضع فرهنگی موجود و شناخت پیامدهای جهانی شدن و چالش‌های فرهنگی-اجتماعی حاصل از آن، نسبت به تقویت ارزش‌های اجتماعی در بین نسل جوان به‌ویژه دانشجویان اقدام کرده‌اند. در این راستا، نظام آموزش عالی ما به منظور پاسداری از ارزش‌های جامعه و فراهم آوردن زمینه رشد همه‌جانبه شخصیت دانشجویان دانشگاه‌ها، برنامه‌هایی را به عنوان فعالیت‌های فرهنگی فوق برنامه تدارک می‌بیند. اوقات فراغت فرصت آزادی است که برای انجام کار خاصی مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد، ولی در عین حال می‌تواند مورد استفاده طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف باشد که به دلخواه شخص انتخاب و بدان پرداخته می‌شود (سالیس^۱، ۲۰۰۷). نحوه گذراندن اوقات فراغت با توجه به عواملی از قبیل سن، شغل، میزان تحصیلات، علاقه، وضعیت درآمد، محل زندگی، تعداد اعضای خانواده، دسترسی به امکانات گذران اوقات فراغت و عوامل مختلف دیگر تأثیرگذار تغییر می‌کند. با عنایت به اینکه موضوع مطالعه این تحقیق قشر دانشجو و جوان است، طبیعی است که به علت حساسیت این قشر برای انتخاب نوع وسیله گذران اوقات فراغت، باید برنامه‌ریزی حساب شده و جدی از طرف مدیریت‌های جامعه و مسئولان مربوطه انجام شود. به علت شرایط سنی و علاقه‌مندی آنان برای انتخاب بهترین‌ها، اغلب دانشجویان ترجیح می‌دهند اوقات فراغت خود را با برنامه‌هایی منظم و منسجم پر کنند و از اتلاف وقت بپرهیزند. دانشجو در جهت رفع این خواسته، چشم امید به برنامه‌ریزان فوق برنامه دانشگاه دارد. همچنین با بصیرت کامل برنامه‌های فوق برنامه را بررسی می‌کند و در جست و جوی انتخاب بهترین‌ها بر می‌آید، هر چند ممکن است آن را خارج از محیط دانشگاه به دست آورد (صفانیا، ۱۳۷۹). دسترسی فزاینده انسان به فناوری جدید و یافتن راهکارهای ساده باعث شده است، از حدود ۱۴۰

سال پیش تاکنون، اوقات بی‌کاری وی در هفته تا حدود دو برابر افزایش یابد. از سوی دیگر، آلودگی‌های محیط، پیچیدگی ارتباطات اجتماعی، افزایش عامل‌های فشارزای شغلی و تنگناهای اقتصادی زندگی مدرن، سلامتی جسمی و روحی انسان را آسیب‌پذیر ساخته است. تحقیقات متعددی نشان داده‌اند، نابسامانی و سرگردانی انسان در اوقات فراغت، به ویژه در محیط‌هایی که آکنده از عامل‌های تنش‌آور است، زندگی شخصی و شغلی انسان‌ها را با بحران‌های متفاوتی رو برو می‌سازد، همچنین روشن ساخته‌اند که پرداختن به تفریحات سالم در اوقات بی‌کاری، به ویژه فعالیت‌های ورزشی، آثار مثبت و فراوانی در بهبود این وضعیت دارد. نتایج این تحقیقات باعث شدند، سازمان‌ها و ارگان‌های گوناگون، برنامه‌ریزی وسیعی برای گذران اوقات فراغت کارکنان خود انجام دهند. این توجه جهانی، موجب پیدایش صنعت عظیمی شد که هدف مستقیم آن، فراهم آوردن امکانات برای گذران اوقات فراغت است. اقشار گوناگون دانشگاهی با اینکه تحت فشارهای شغلی قرار دارند، اما اوقات فراغت نسبتاً بیشتری دارند. هر دو عامل موجب می‌شود، به فعالیت‌های فراغتی آنها از دو دیدگاه رفع خستگی یا کسالت کاری، همچنین ایجاد تنوع و تفریح توجه ویژه‌ای شود (کینگ^۱، ۱۹۹۹). تحقیقات متعددی نشان داده‌اند، کارکنان دانشگاه و آموزش و پرورش به اهمیت نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات سالم واقف هستند ولی برای اجرای آن در برنامه زندگی و شغلی خود اولویتی قائل نمی‌شوند ضمناً در بین دانشگاهیان فرهنگ فعالیت‌های تفریحی فراغتی عمومیت پیدا نکرده است و مدیران این مراکزها نیز برای فراهم آوردن امکانات لازم کوشش نمی‌کنند. تحقیقات نشان داده‌اند بی‌کاری و نبودن تفریح و تنوع، کارکنان را از نظر سلامتی روحی و جسمی، همچنین شادابی و نشاط در محیط کار آسیب‌پذیر می‌سازد و تنیدگی شغلی را در آن سرعت می‌بخشد.

برنامه‌ریزی امور فوق برنامه دانشجویان از تربیت بدنی، بازی‌های پر تلاش و انواع ورزش‌های متداول آغاز شد. گسترش روزافزون آن نقاشی، نمایش، شعر، موسیقی و برنامه‌های سیاحتی و زیارتی را در بر گرفته است (شو^۲، ۲۰۰۱). امروزه سعی بر آن

1. King

2. Shaw

است که بر حسب نیازهایی که از جریان عمومی زندگی بر می‌آید، تفریحات متناسبی ابداع شود. برای مثال، جمعیت ملی تفریح برای سال‌های ۶۵-۱۹۶۱ میلادی به سه برنامه تفریح‌ساز تأکید کرده است. نخستین آنها توسعه کارهای هنری است (اشنایدر^۱، ۲۰۰۳). به طوری که این قبیل کارها در انحصار حرفه‌ای‌ها و یا گروه‌های کوچک تئاتری و رقص و آواز نباشد و گروه‌های وسیع اجتماعی را در بر گیرد. زمینه دوم تأکید بر توسعه علم و زمینه سوم رواج اردوهای خانوادگی است (عسکریان، ۱۳۷۰). در زمینه اخیر کوشش می‌شود که با استفاده از علاقه خانواده‌ها به فضاهای فراخ و تفریحات بیرون شهر ابعاد تازه‌ای به طرح‌ریزی عمومی داده شود. در این بخش نقش ورزش و تربیت بدنی بسیار چشمگیر و بارز است؛ چرا که جاذبه فعالیت‌های بدنی و تفریحات سالم در طبیعت سالم بسیار مورد علاقه اقشار مختلف به خصوص کودکان، نوجوانان و جوانان است؛ بنابراین، سال‌های متمادی است که در کشورهای پیشرفته برنامه‌ریزی در امور تفریحی به ایجاد تسهیلات ویژه‌ای محدود بوده است. مسئولان سازمان‌های تفریحی- ورزشی به طرق مختلف آموزش نحوه گذران فراغت را مد نظر خود قرار داده‌اند (اسپریترز^۲، ۲۰۰۸). از طریق برنامه‌ریزی و طرح‌های مربوط به نحوه استفاده از ایام فراغت، سعی در جهت‌دهی اوقات فراغت جوامع خود کرده‌اند (مهدی‌پور، ۱۳۷۲).

در کشور ما نیز به جهت ویژگی‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، بسیاری از روش‌های متداول در خارج از کشور مورد پذیرش نبوده و گاهاً این روش‌ها ابزار و وسایلی در دست جهان‌خواران برای تهی کردن جوانان از ارزش‌ها و باورهای فرهنگی، انقلابی و اسلامی‌شان است. به همین دلیل، مسئولان برنامه‌ریزی باید به رسالت خطیر خود که همانا برنامه‌ریزی مطلوب و منطبق با شعائر فرهنگی و اسلامی این مرز و بوم به منظور پویایی و نشاط و رشد جسمی و فکری جوانان است، توجه خاص و تمهیدات مدبرانه و دلسوزانه داشته باشند. یکی از علل مهم این گرایش به سوی فرهنگ غرب، تنبلی،

-
1. Snyder
 2. Spreitzer

سستی، عدم تحرک جسمی نوجوانان و جوانان از یک سو و از سوی دیگر، فقدان امکانات و برنامه‌ریزی عالمانه و هوشمندانه در زمینه جذب و پویایی این قشر مهم از جامعه بوده است. مقابله با تهاجم فرهنگی باید در ماهیت و عمل ایجاد تحرک و پویایی نماید و بالقوه بستری جذاب و انگیزه‌ساز جلوه کند. این ویژگی به بهترین وجه ممکن در ورزش متجلی می‌شود. در همین راستا و برای ایجاد انگیزه بیشتر این خیل عظیم به خصوص دانش‌آموزان و دانشجویان برنامه‌ریزی مورد اشاره در زمینه ورزش و تربیت بدنی ضرورتی خاص دارد. حضور مداوم چند میلیون جوان فکور، پر انرژی و مستعد یادگیری در پهنه آموزش‌ها و دانشگاه‌ها سرمایه بسیار ارزنده و گرانبهایی است که در اختیار وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی است (عسکریان، ۱۳۷۲). کشور ما در عرصه سازندگی نیازمند نیروهای سازنده، شاداب، پویا، خلاق و پر نشاط است و این مهم در سایه احساس مسئولیت مسئولان ذیربط میسر و ممکن می‌شود. از آنجایی که بسیاری از ورزش‌های رایج اصولاً ماهیتی دانشگاهی دارند و میعادگاه بسیاری از ورزشکاران ممتاز در برخی از رشته‌ها چون بستکبال، دو میدانی و غیره، در سراسر جهان همواره سرآمد دانشگاه‌ها بوده است، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در کشور ما نیز با امکانات بالقوه‌ای که در اختیار دارند و با سرمایه‌ای این چنین مستعد می‌توانند گام‌هایی بس ارزنده در تقویت و تعمیم و گسترش ورزش بردارد. به طور کلی، فعالیت‌های فوق برنامه نقش مهمی را در زندگی دانشجویان ایفا می‌کنند و زمان و هزینه زیادی به این فعالیت‌ها اختصاص داده می‌شود. هزینه‌ها و منافع فعالیت‌های فوق برنامه در طی سال‌ها، مطالعات و مباحث زیادی را ایجاد کرده است به ویژه هنگام تنظیم بودجه‌ها نیاز است تا منافع این فعالیت‌ها مشخص شود. برخی از پژوهشگران میزان مشارکت دانشجویان و رابطه فعالیت‌های فوق برنامه را با متغیرهای عملکرد دانشجو همانند توسعه فردی و اجتماعی، پیشرفت دانشگاهی و سایر موارد مرتبط را بررسی کرده‌اند که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

جهان بخش (۱۳۷۸) در تحقیق خود پیرامون اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، اعلام داشته است که مدت زمان اختصاص یافته دانشجویان دختر برای مطالعه ۵/۱۳ ساعت در هفته است که بیشتر به مطالعه روزنامه و مجله اختصاص

دارد. چوبینه (۱۳۷۹)، در پژوهش خود با عنوان « نحوه گذراندن اوقات فراغت کارمندان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری » نشان داد که علل شرکت نکردن کارمندان وزارت علوم در فعالیتهای ورزشی فوق برنامه، به ترتیب شامل: نبود امکانات ۲۴ درصد، مشکلات روزمره ۲۰/۵ درصد، خستگی به واسطه کار زیاد ۱۴ درصد، عدم برنامه ریزی در اداره ۱۱/۵ درصد، وقت نداشتن ۸ درصد، بالا بودن شهریه دانشگاهها ۷/۵ درصد، گران بودن وسایل ورزشی ۴/۵ درصد، فشار روانی ناشی از کار ۳ درصد، محدودیت های جسمانی ۲ درصد، آشنا نبودن به نحوه ورزش ۲ درصد، ترجیح دادن سایر فعالیتهای ۱/۵ درصد، اعتقاد نداشتن به ورزش ۵ درصد و غیره ۱ درصد است. باقرزاده و همکاران (۱۳۸۰) در تحقیق خود کمبود فضا و امکانات، عدم توجه مسئولان، نامناسب بودن وقت فعالیت اماکن ورزشی، نداشتن وقت آزاد، زیاد بودن هزینه شرکت در فعالیتهای ورزشی، ترس از افت تحصیلی عدم تخصص مربیان اماکن ورزشی، مزاحمت از جانب دیگران در مسیر رفت و برگشت، نداشتن اطلاعات کافی در مورد ورزش، عدم علاقه به ورزش و مخالفت والدین را به ترتیب از جمله مهم ترین موانع حضور دختران دانش آموز را در فعالیتهای ورزشی فوق برنامه ذکر کرده اند. رحمانی و همکاران (۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان « بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه های زنجان » دریافتند که در میان فعالیتهای اوقات فراغت، شنیدن موسیقی تماشای تلویزیون و هم صحبتی با دوستان به ترتیب در اولویت های اول تا سوم و پرداختن به ورزش در اولویت دهم قرار داشته است اما در زمینه میزان علاقه دانشجویان، ورزش جایگاه سوم را داشته است. همچنین آنان دریافتند که بین نحوه گذراندن اوقات فراغت دانشجویان سه دانشگاه در فعالیتهای مذهبی، دیدار اقوام، تمرین ساز و آواز، تماشای ویدئو، قدم زدن و گردش کردن، هم صحبتی با دوستان، سیاحت و زیارت تفاوت معنی داری وجود دارد.

فیندلی^۱ (۱۹۹۸)، در رساله دکتری خود که تحت عنوان « تجزیه و تحلیل فعالیتهای واحدهای فوق برنامه دانشگاه های چهارساله واشنگتن » بوده است، بیان

می‌دارد که لازم است به طور کلی در ارائه خدمات و انواع فعالیت‌ها برای دانشجویان جدید پیشرفتی صورت گیرد. همچنین اشاره می‌کند، اگر چه همه دانشگاه‌های واشنگتن دارای برنامه و خدماتی هستند ولی هم در دانشگاه‌های خصوصی و هم در دانشگاه‌های عمومی میزان برنامه‌ها و خدمات باید افزایش یابد. او اضافه می‌کند در دانشگاه‌های خصوصی واحدهای خدماتی و برنامه‌های فراغتی از برنامه‌های دانشگاهی عمومی مقداری وسیع‌تر است. نتایج حاصله از کلیه تحقیقات، حاکی از عدم وجود برنامه‌ریزی در گذران اوقات فراغت جامعه آماری است.

بتی^۱ و همکاران (۱۹۹۶) در تحقیق خود، مطالعه کتاب‌های درسی را یکی از فعالیت‌های فراغتی دانشجویان چهار کشور آمریکا، فرانسه، دانمارک و نیوزیلند اعلام کرده‌اند. دیک راجر^۲، (۱۹۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «چه اتفاقی برای برنامه‌های فوق برنامه دانشگاه افتاده است؟» در زمینه برنامه‌های فوق برنامه دانشگاه، به فعالیت‌هایی که در حال حاضر وجود دارد و فعالیت‌هایی که پیش‌بینی شده است، به عنوان فعالیت‌های فراغتی اولویت‌دار، پیشنهاد می‌کند که این برنامه‌ها باید متناسب با علاقه‌مندی و نیازهای دانشجویان دانشگاه‌ها تغییر یافته و تدوین یابد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، از لحاظ ماهیت پژوهشی کاربردی است که به لحاظ زمانی، گذشته نگر و از نظر کنترل متغیرها، پیشین پژوهی است. دانشجویان دانشگاه ایلام به عنوان جامعه آماری مورد نظر پژوهش انتخاب و از بین آنان، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب^۳ و با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه مورگان و تاکنن اقدام به نمونه‌گیری شد. ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسشنامه‌ای بود که بر اساس اهداف، پیشینه نگاشته‌ها، فرضیه‌های تحقیق و نتایج حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع و در قالب سؤالات باز و بسته برای جامعه آماری طراحی و برای محاسبه

1. Beatty
2. Dick Roger
3. Stratified Propionate Random Sampling Technique

قابلیت اعتماد آن از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. محاسبه این ضریب با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۵ و یافته‌های پیش آزمون، نشان دهنده قابل قبول بودن پایایی پرسشنامه‌ها برای انجام تحقیق بود. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده برای گویه‌ها ۷۸ درصد به دست آمد. اطلاعات حاصل از تکمیل پرسشنامه در روش میدانی نیز، با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌های پژوهش

نتایج نشان داد که بیشترین تعداد پاسخگویان در محدوده سنی ۲۰ تا کمتر از ۲۲ سال هستند که شامل دانشجویان سال دوم و سوم هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۲/۱۱ سال است و ۵۳/۶ درصد پاسخگویان زن و بقیه آنان (۴۶/۴ درصد) مرد بودند؛ همچنین از این تعداد بیش از ۹۳ درصد مجرد و بقیه آنان متأهل بوده‌اند. از طرفی با استناد به همین اطلاعات می‌توان گفت بیش از نیمی از آنان بومی استان بوده‌اند و فراوانی رشته تحصیلی آنان نیز بدین شرح است: ۱۲/۵ درصد دانشجویان رشته فنی، ۴۶/۹ درصد رشته علوم انسانی، ۳۶/۵ درصد رشته کشاورزی و بقیه آنان (۴/۲ درصد) نیز در رشته علوم پایه که بیشتر آنان (۸۳/۵ درصد) در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بوده‌اند. یافته‌ها نشان داد که از لحاظ اقتصادی ۶۱ درصد پدران و ۵ درصد از مادران شاغل هستند و درآمد بیشتر خانواده‌های دانشجویان (۶۲ مورد) در محدوده بین ۲۵۰ تا کمتر از ۵۰۰ هزار تومان است. با استناد به پاسخ‌های ارائه شده از جانب افراد پاسخگو می‌توان گفت که ۱۱/۲ درصد (۱۱ نفر) از آنان علاوه بر تحصیل فعالیت اقتصادی درآمدزا نیز دارند و سایر افراد (۸۶/۷ درصد) هیچ گونه فعالیت اقتصادی درآمدزا نداشته و تنها ۲۵/۵ درصد دانشجویان کار دانشجویی دارند.

نتایج این تحقیق نشان داد که میزان همکاری و مشارکت بیش از نیمی از افراد پاسخگو (۵۴/۳ درصد) در حد کم و ۴۳/۲ درصد آنان نیز در حد متوسط است. همچنین یافته‌ها نشان داد که هیچ یک از افراد پاسخگو در حد خیلی زیاد در فعالیت‌های فوق برنامه مشارکت ندارند. از طرفی، با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در خصوص اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه مشخص شد که گویه‌های کسب تجربه، علاقه به مشارکت در فعالیت‌های

فوق برنامه، افزایش ارتباط خود با دوستان، دوست یابی، گذراندن بخشی از وقت خود با دوستان، آشنا شدن با حقوق خود و تنوع در برنامه‌ها به طور مشترک، رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین گویه‌های اهمیت دادن مسئولان دانشگاه به مشارکت دانشجویان، انتظار پاداش و کسب جوایز رتبه‌های آخر (۱۹ تا ۲۱) را به خود اختصاص داده‌اند.

در این قسمت به منظور تحلیل استنباطی داده‌های به دست آمده، از تحلیل همبستگی^۱ (ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن^۲، ضریب همبستگی پیرسون^۳ و تحلیل عاملی) استفاده شده است.

بررسی ضرایب همبستگی در جدول (۱) که برای قضاوت در مورد رابوط همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق در جامعه آماری استفاده شده‌اند، نشان می‌دهد که: رابطه میان جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد، رشته تحصیلی، مقطع تحصیلی، وضعیت اسکان، وضعیت اشتغال پدر و مادر، وضعیت اشتغال دانشجوی، داشتن کار دانشجویی در دانشگاه، سن، فاصله محل سکونت تا دانشگاه، معدل، میزان درآمد ماهانه خانواده و میانگین پول توجیبی دانشجوی در سطح ۰/۰۵ معنی دار نیست. بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۵ درصد قضاوت کرد که بین متغیرهای مذکور و میزان مشارکت دانشجویان دانشگاه ایلام در فعالیتهای فوق برنامه هیچ گونه رابطه معنی داری وجود ندارد. ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده برای محاسبه همبستگی بین میزان درآمد ماهانه دانشجوی با متغیر وابسته تحقیق، $r = -0/286$ است که در سطح ۰/۰۵ معنی دار است ($P = 0/013$). بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان قضاوت کرد که بین میزان درآمد ماهانه دانشجویان و میزان مشارکت آنان در فعالیتهای فوق برنامه رابطه‌ای منفی (معکوس) و معنی دار وجود دارد.

-
1. Correlation Analysis
 2. Spearman Rank Correlation Coefficient
 3. Pearson Correlation Coefficient

جدول (۱) ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و میزان مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه

ردیف	متغیر (۱)	متغیر (۲)	ضریب همبستگی	مقدار همبستگی	میزان معنی داری
۱	جنسیت	مشارکت در برنامه‌ها	اسپیرمن	۰/۰۳۸	۰/۷۳۵
۲	وضعیت تأهل	" " " "	"	۰/۱۷۴	۰/۱۲۱
۳	محل تولد	" " " "	"	-۰/۰۳۴	۰/۷۶۷
۴	رشته تحصیلی	" " " "	"	-۰/۰۷۶	۰/۵۰۲
۵	مقطع تحصیلی	" " " "	"	۰/۰۷۸	۰/۴۹۰
۶	وضعیت اسکان	" " " "	"	۰/۱۴۰	۰/۲۱۳
۷	وضعیت اشتغال پدر	" " " "	"	۰/۱۳۹	۰/۲۳۵
۸	وضعیت اشتغال مادر	" " " "	"	-۰/۰۸۱	۰/۴۷۸
۹	وضعیت اشتغال دانشجو	" " " "	"	۰/۱۵۲	۰/۱۷۵
۱۰	داشتن کار دانشجویی در دانشگاه	" " " "	"	۰/۰۵۳	۰/۶۳۸
۱۱	سن	" " " "	پیرسون	-۰/۰۵۳	۰/۶۴۵
۱۲	فاصله محل سکونت تا دانشگاه	" " " "	"	-۰/۰۹۲	۰/۴۴۶
۱۳	معدل	" " " "	"	-۰/۰۴۵	۰/۷۱۱
۱۴	میزان درآمد ماهانه خانواده	" " " "	"	۰/۱۴۲	۰/۲۱۹
۱۵	میزان درآمد ماهانه دانشجو	" " " "	"	-۰/۲۸۶*	۰/۰۱۳
۱۶	میانگین پول توجیبی دانشجو	" " " "	"	۰/۱۲۴	۰/۳۲۶

* معنی داری در سطح ۰/۰۵

تحلیل عاملی^۱: برای محدود کردن متغیرهای دخیل در مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه ایلام متغیرهای سنجش شده در ارتباط با آن در این قسمت مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. مقدار KMO برابر با ۰/۸۲ درصد و میزان آزمون بارتلت نیز برابر با ۲۷۹۷/۵۲ (معنی داری در سطح ۰/۰۱) به دست آمد که نشان دهنده

1. Factor Analysis

مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. با برآورد مقدار ویژه^۱ متغیرها و مشخصات عامل‌های استخراج مشخص شد که حداکثر ۱۰ عامل را می‌توان برای تبیین متغیرهای یادشده در زمینه عوامل مؤثر بر مشارکت دانشجویان دانشگاه ایلام در فعالیت‌های فوق برنامه قائل شد اما در اینجا تعداد چهار عامل به منظور تحقیق درباره ماهیت روابط بین متغیرها و دستیابی به تعریف عامل‌ها به صورت معیار پیشین برای نرم افزار از پیش تعریف شد و محاسبات بر این اساس صورت گرفت (جدول ۲).

جدول (۲) برآورد مقدار ویژه و درصد تبیین واریانس عامل‌ها

عامل	۱	۲	۳	۴
مقدار ویژه	۱۹	۳/۴۱	۲/۶۹	۱/۷۵
درصد تبیین واریانس	۴۲/۲۳	۷/۵۸	۵/۹۹	۳/۹

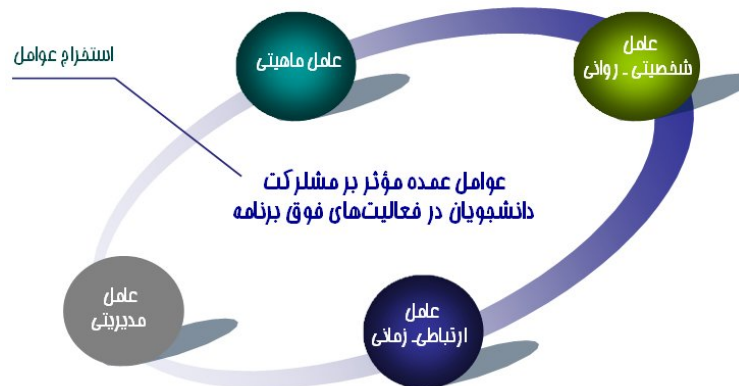
جدول (۲) نشان می‌دهد که عامل اول بیشترین سهم (۴۲/۲۳ درصد) و عامل چهارم کمترین سهم (۳/۹ درصد) را در تبیین کل متغیرها داشته است و در مجموع عوامل مذکور توانسته‌اند حدود ۶۰ درصد از کل واریانس متغیرها را تبیین کنند. به منظور تشخیص عامل‌هایی که احتمالاً زیربنای متغیرهای یاد شده هستند و همچنین تعیین ساختار ساده آن روش چرخش واریماکس^۲ مورد استفاده قرار گرفته است. بعد از مرحله چرخش، متغیرهایی که مربوط به هر عامل هستند، به صورت ستونی مشخص می‌شوند. در این مرحله، فرض بر این قرار گرفت که ضرایب بالاتر ۰/۵۰ در تعریف عامل‌ها سهم مهم و با معنی دارند؛ بنابراین، ضرایب کمتر از این مقدار به عنوان صفر (عامل تصادفی) در نظر گرفته شده است. بر اساس این پیش فرض جدول ماتریس چرخش عاملی مطابق جدول (۳) به دست آمد.

1. Eigenvalue
2. Varimax Rotation

جدول (۳) ماتریس عاملی چرخش داده شده و همبستگی متغیرها با هریک از عاملها

عاملها				
۴	۳	۲	۱	
				کسب اطلاعات و افزایش آگاهی‌های علمی، اجتماعی و غیره
				کسب تجربه
				علاقه به مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه
				دوری نمودن از یکنواختی و ایجاد تنوع در زندگی
				ارزش قائل شدن برای برنامه‌های فوق برنامه
				تمرینی برای مسئولیت‌پذیری در آینده
				آشنا شدن با حقوق خود
				تقویت کار گروهی
				علاقه به کار گروهی
				افزایش ارتباط خود با مسئولان
				داشتن روحیه استقلال طلبی
				دسترسی آسان به برنامه‌ها
				تأثیر مثبت برنامه‌ها بر روحیه دانشجویان
				آشنا بودن با مسئولین برگزار کننده برنامه‌ها
				متنوع بودن برنامه‌ها
				تناسب برنامه‌ها با سلیقه دانشجویان
				جذاب بودن برنامه‌ها
				توجه به خواسته‌های دانشجویان
				احساس آزادی عمل در برنامه‌ها
				مرتبط بودن برنامه‌ها با رشته تحصیلی
				اهمیت دادن مسئولان دانشگاه به مشارکت دانشجویان
				پرمحتوا بودن برنامه‌ها
				داشتن مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت در این گونه برنامه‌ها
				کیفیت بالای برنامه‌ها
				دوست‌یابی
				رابطه مناسب با همکلاسی‌ها
				داشتن وقت کافی برای مشارکت در برنامه‌های فوق برنامه
				افزایش ارتباط خود با دوستان
				آسان بودن درس‌های رشته تحصیلی
				دوری از خانواده
				اطلاع‌رسانی مناسب امور فرهنگی دانشگاه
				نشاط آور بودن برنامه‌ها
				گذراندن بخشی از وقت خود با دوستان
				مناسب بودن زمان برنامه‌ها
				ایجاد انگیزه از جانب مجریان برنامه‌ها
				تناسب زمان برنامه‌ها با اوقات فراغت دانشجویان

با توجه به جدول (۳) چهار عامل یک، دو، سه و چهار تفکیک شده‌اند. این عامل‌ها به صورت متعامد و مستقل از هم هستند. چهار عامل استخراج شده بر پایه بررسی تعاریف هر یک از متغیرها و ماهیت و اندازه متغیرهایی که عامل‌های استخراج شده در آنها بزرگ‌ترین سهم را داشته‌اند، نامگذاری شده‌اند. با توجه به این دو معیار مشاهده می‌شود که ۱۳ متغیر عامل اول مربوط به خود فرد و تأثیراتی است که برنامه‌ها می‌توانند بر روی شخصیت و روان افراد داشته باشند (علاقه به مشارکت، کارگروهي و تغییر در روحیه). بنابراین، عامل اول را می‌توان «عامل شخصیتی- روانی» نامید. عامل دوم، شامل خصوصیات مثبت و کشش‌های موجود در محتوی، شکل، زمان برگزاری و غیره است. در واقع، این عامل بیان‌کننده این است که تناسب و تنوع برنامه‌ها، داشتن کیفیت و محتوای مناسب و در نظر گرفتن خواست‌های دانشجویان در برنامه‌ها تا چه حد می‌تواند در جذب دانشجویان مؤثر باشد. بنابراین، می‌توان آن را «عامل ماهیتی» نام نهاد. عامل سوم، در برگیرنده نیاز به دوست‌یابی، برقراری ارتباط و پرکردن وقت آزاد فرد است. به عبارتی، این موارد بیشترین سهم را در این عامل به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، می‌توان آن را «عامل ارتباطی- زمانی» نام نهاد. عامل چهارم، شامل مسائل مدیریتی از جمله اطلاع‌رسانی مناسب و ایجاد انگیزه از جانب مجریان برنامه‌ها می‌باشد که با توجه به این موارد می‌توان آن را «عامل مدیریتی» نام نهاد. بنابراین، در مجموع از تحلیل عاملی انجام‌شده می‌توان چهار عامل اصلی فوق را استخراج و معرفی کرد:



نمودار (۱) عوامل استخراج شده از تحلیل عاملی

نتیجه گیری

شناخت دانشجویان یکی از مهم‌ترین ابعاد و اجزای نظام آموزش عالی است به همین دلیل دستیابی به اطلاعاتی تجربی در باب انگیزش‌ها، رفتارها، باورها، نگرش‌ها، انتظارات و نیازهای جامعه دانشجویان تنها برنامه‌ریزان را در طراحی برنامه‌های معطوف به توسعه آموزش عالی یاری می‌دهد، بلکه می‌تواند راه‌ها و روش‌های جلب مشارکت افراد در برنامه‌ها را به برنامه‌ریزان دانشگاه نشان دهد (محمدی، ۱۳۷۸). نتایج این تحقیق نشان داد که در مجموع عوامل مختلفی مانند کم بودن فضاهای ورزشی، پایین بودن سطح کیفی فعالیت‌ها، زمانبندی نامناسب، عدم توجه مسئولان دانشگاه به این گونه برنامه‌ها و عدم نیازسنجی در خصوص علائق دانشجویان در پایین آوردن علاقه دانشجویان به مشارکت‌های فوق برنامه مؤثر بوده‌اند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود:

۱. تا حد امکان نسبت به توسعه و تجهیز فضاهای ورزشی توجه لازم به عمل آید و نگاه راهبردی در برنامه‌ریزی مدیران ارشد لحاظ کرد.
۲. نسبت به ارتقاء کیفی محتوی برنامه‌ها اقدام لازم به عمل آید.
۳. با توجه به نامناسب بودن وقت برگزاری برنامه‌ها، لازم است نسبت به برنامه‌ریزی صحیح زمان توجه بیشتری شود.
۴. توجه زیاد مسئولان دانشگاه‌ها به برنامه‌ها می‌تواند در جلب و افزایش مشارکت دانشجویان نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین، لازم است که این موضوع با دقت و وسواس بیشتری از سوی مسئولین پی‌گیری شود.
۵. با توجه به نقش و اهمیت علاقه در جذب افراد به سوی برنامه‌های فوق برنامه دانشگاه پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ها متناسب با علاقه‌مندی و نیازهای دانشجویان دانشگاهها تغییر و تدوین یابد.
۶. با توجه به اینکه در کشور ما مطالعات اندکی در خصوص فعالیت‌های فوق برنامه صورت گرفته است، پیشنهاد می‌شود نسبت به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه و حمایت از این گونه مطالعات اقدامات لازم به عمل آید.

منابع

- باقرزاده، ف. حمایت طلب، ر و متقی پور، م. (۱۳۸۰). بررسی علل عدم شرکت دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه در فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه. *مجله حرکت*، شماره ۱۱، صص ۲۳-۳۱.
- جهان بخش، ا. (۱۳۷۸). بررسی شیوه گذران اوقات فراغت دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن در واحد دهقان. معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان. چوبینه، سیروس. حمیدی، مهرداد. (۱۳۷۹). طرح تحقیق.
- رحمانی، ا. پوررنجبر، م. و بخشی نیا، ط. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه نحوه گذران اوقات فراغت دانشجویان دختر دانشگاه‌های زنجان با تأکید بر نقش تربیت بدنی و ورزش. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، صص ۲۱۶-۲۰۹.
- عسکریان، م. (۱۳۷۳). جایگاه تربیت بدنی و ورزش در اوقات فراغت دانش‌آموزان، اولین کنگره علمی ورزش مدارس کشور در اصفهان. انتشارات معاونت مطالعات اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش.
- محمدی، م. (۱۳۷۸). *درآمدی بر رفتارشناسی سیاسی دانشجویان در ایران امروز*. تهران: کویر، صص ۴۸-۵۱.
- Beatty, and et al.(1994). A corss National study of Leisure Activities. *Journal of cross- Cultural Psychology*, 1994, 25 (3).
- Eyler, A., Brownson, R., King. A Brown, D., et al. (2006). Phsical activity and women in the United States: An overview of health Prevalence. and interventionopportunities. *Women and Health*; 26: 27 - 50.
- Findley, J. S.(1999). An analysis of Student activity divisons in Washington state four –year universities (Nontransitional students). Dissertation 199۹ Seattle University. 9135969 Umi Database.
- Kenyon, G. S., and McPherson, B. D. (2004). Becoming involved in physical activity and sport: A process of socialization. *In Pysical Activity: Human Growth and Development*, ed. G. L. Rarick; 303 - 332.
- Sallis, J.F., Hovell, M. F., Hofstetter, C. R. (2007). Predictors of adoption and maintenance of vigorous physical activity in men and women. *Preventive Medicine*; 21: 237 - 251.
- Snyder, E., Spreitzer, E. (2003). *Social Aspects of Sport*. Prentice - Hall,

Englewood Cliffs, N. J. 89.

Spreitzer, E., Snyder, E. (2008). Socialization into sport: An exploratory pathanalysis. *Research Quarterly*; 47: 238 – 245

Shaw, M. S., Dawson, .D (2001). Purposive leisure: Examining Parental Discourses on Family Activities, *Leisure sciences*; 23 (4): 217-231.

King, A., Blair, S., Bild. D. Dishman, R., et al. (1999). Determinants of physicalactivity and interventions in adults. *Medicine and Science in Sports andExercise*, 24: s221-s223.